

۳۰۰۶

۳۰۰۶

تذکره

جلد سیم در بدایة التعلیم

طبع اوّل نالیف وازدم

از نالیفات حاج میرزا حسن

رشدیه

تدریس خواهد شد بعد از اتمام
منعاً بن جلد اوّل و دویم این کتاب را

این کتاب

در حقیقت تعلیمات جلد دویم است

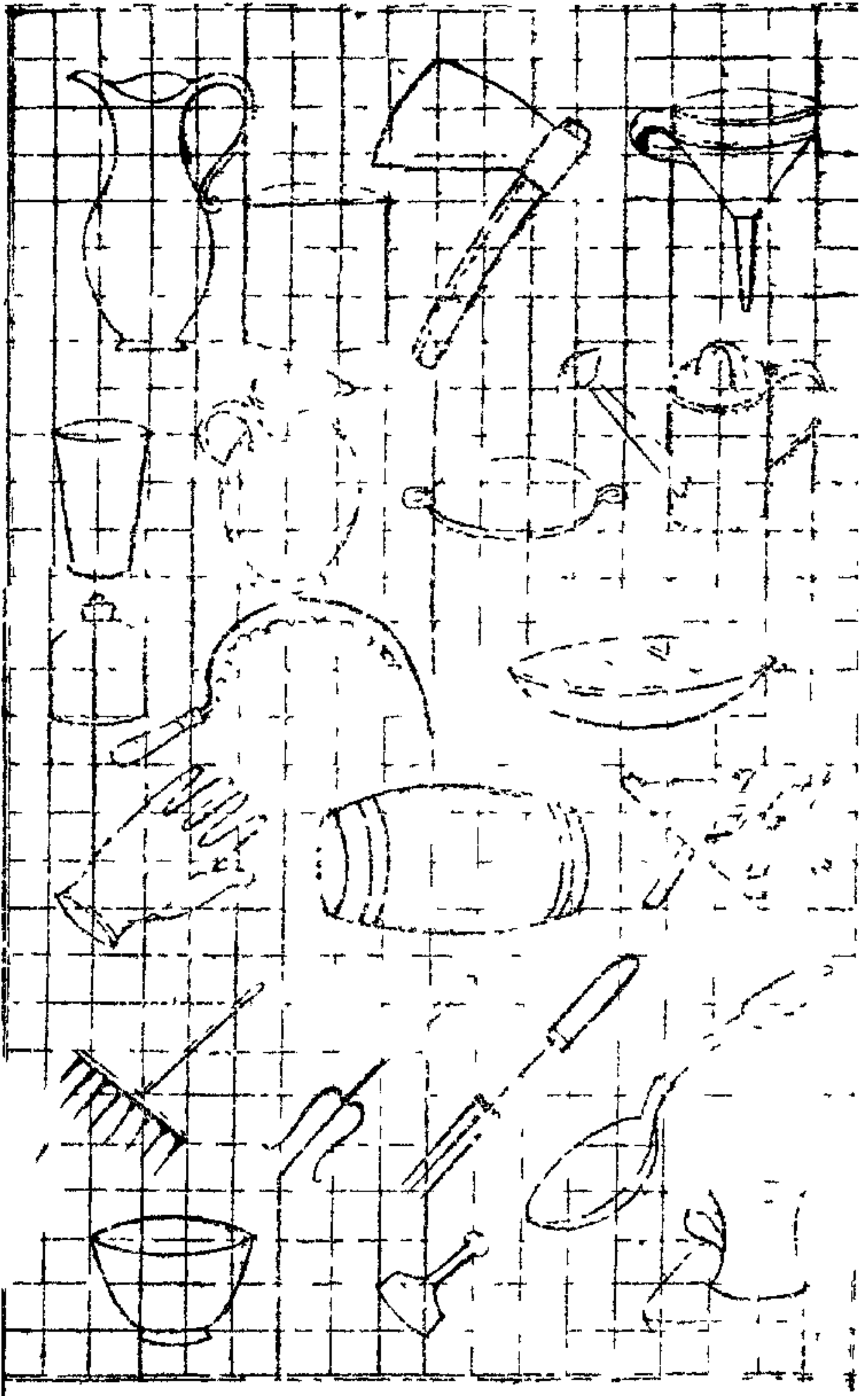
اطفالیکه

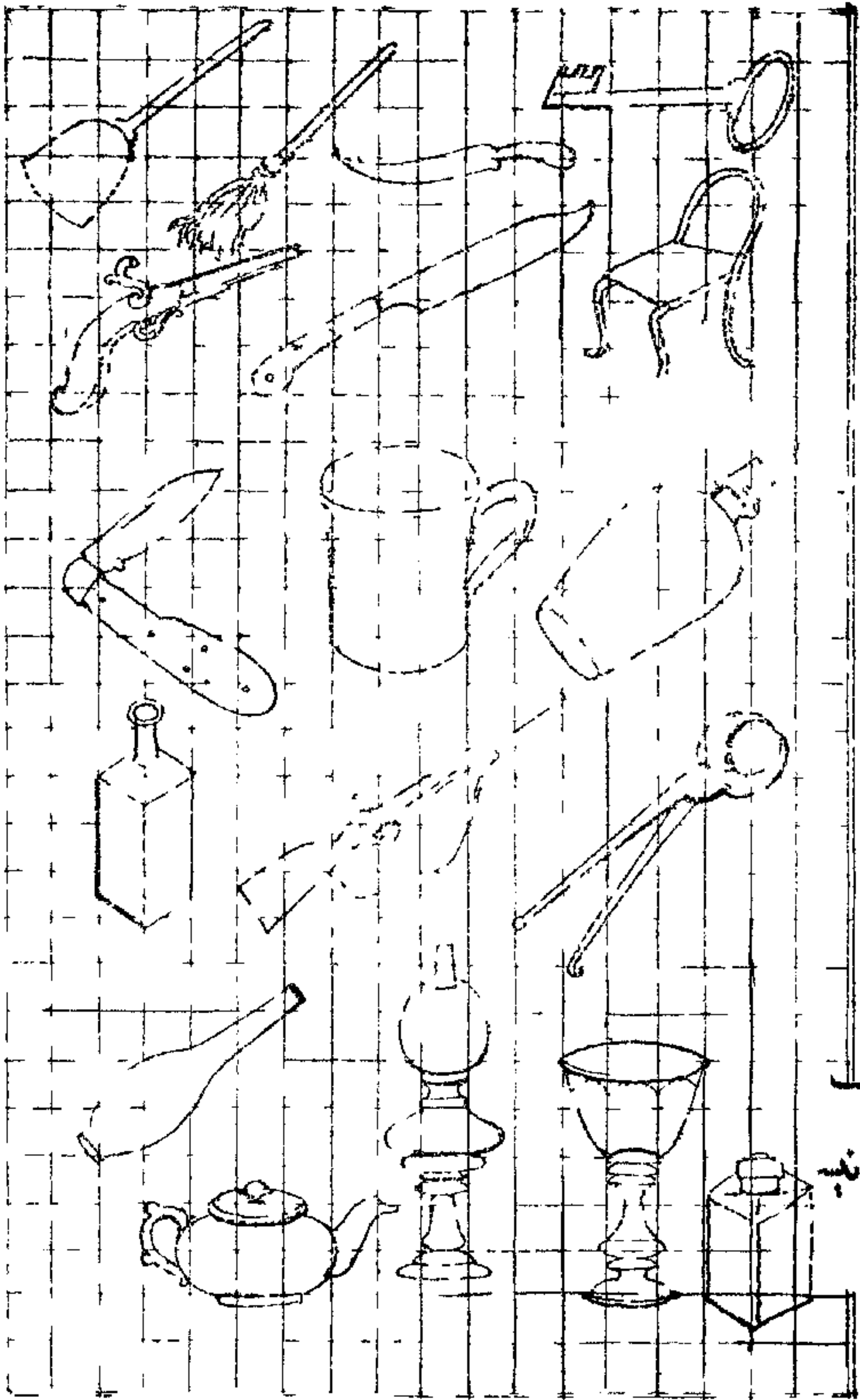
ت نشان مساعدا باشد تدریس جلد اوّل لازم

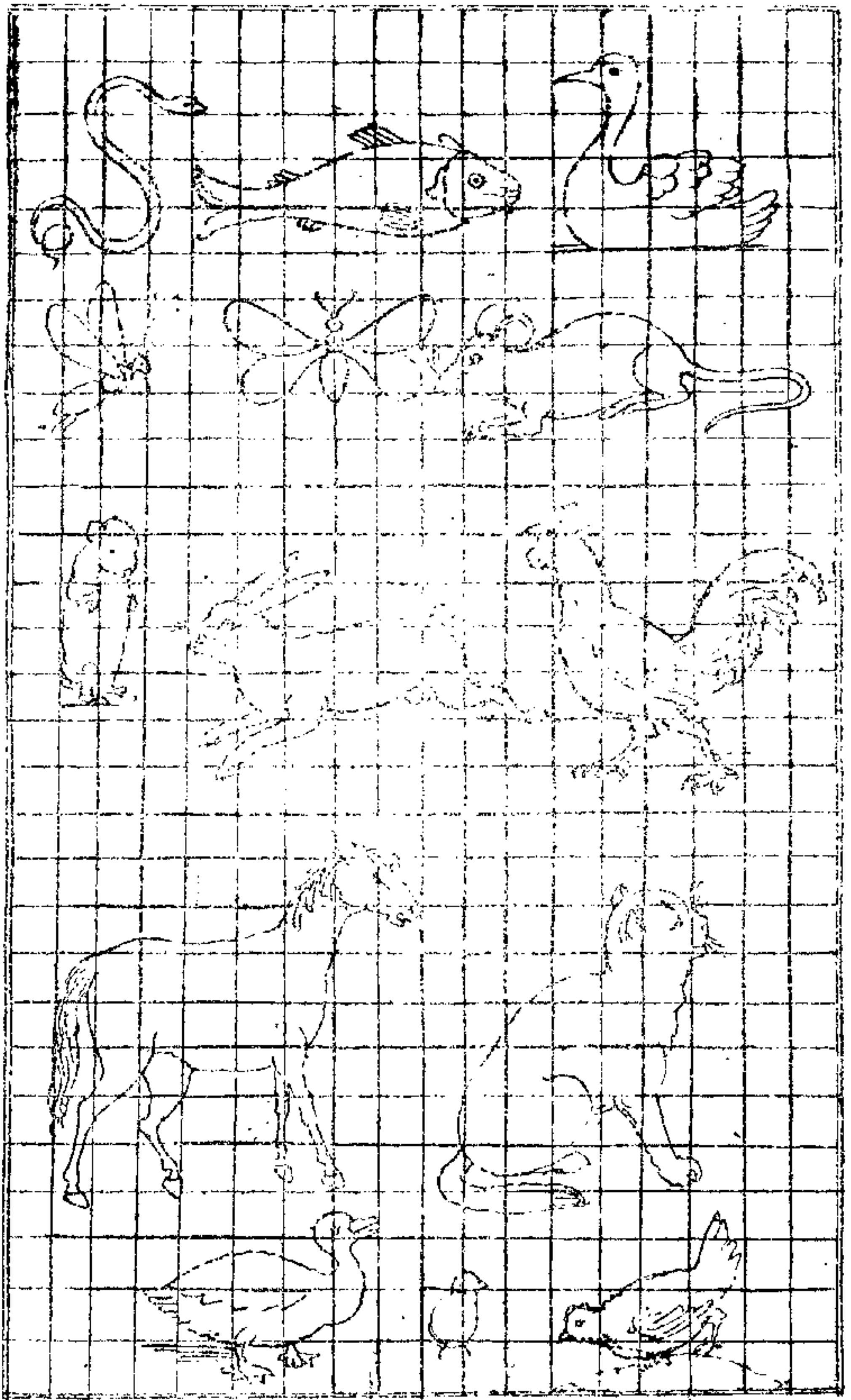
نیست فقط جلد دویم را اوّل و این را ثانیا و

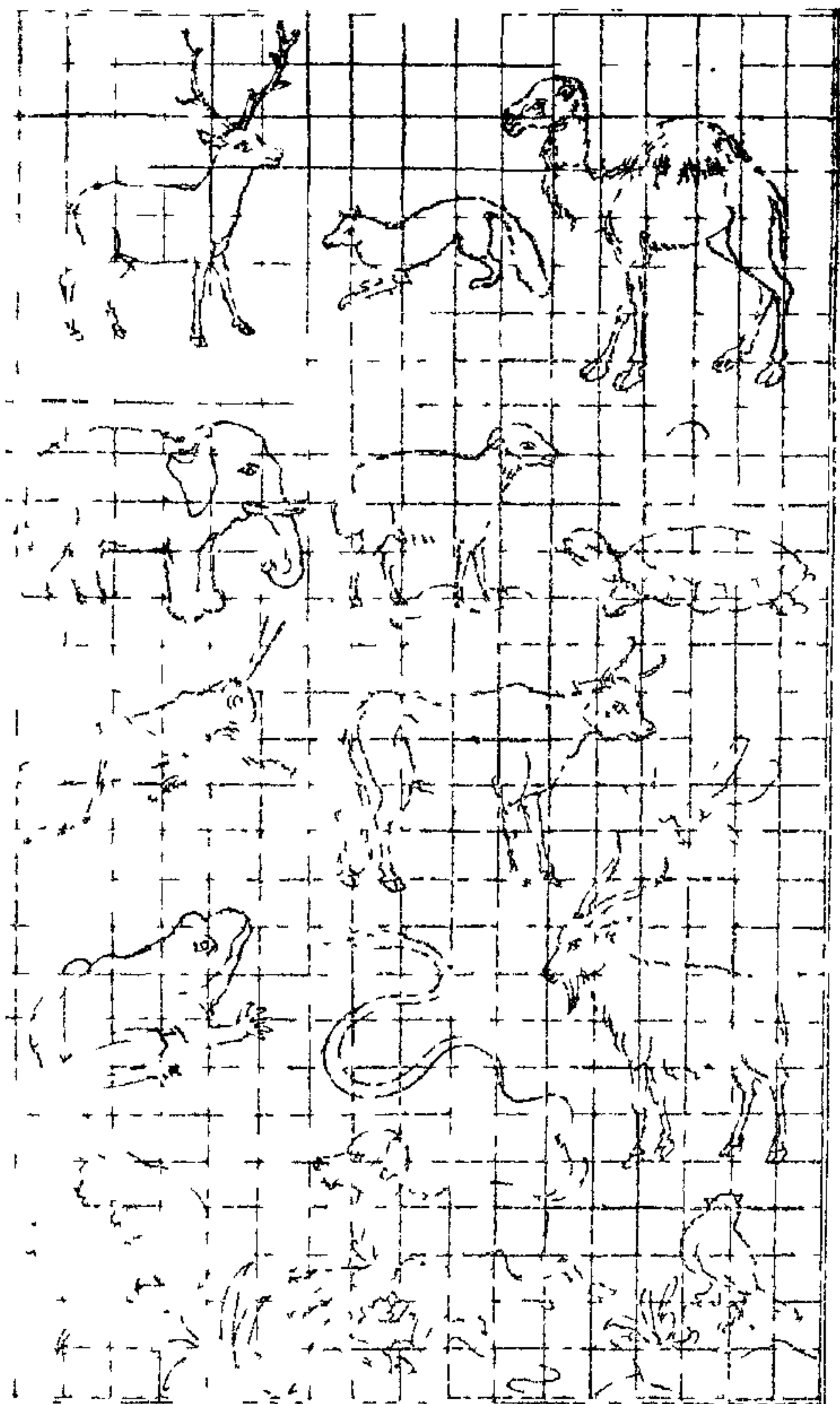
هدایه اطفال خوانند

مجلد یک در همین صنف دار که هم مؤلف نباشد ضبط معارف خواهد شد









جلد نهم بدایه النعمیم

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در سر اول

در هر که ها و آنها سه صوت است

۹

اگرچه اصول تند پس الف باء صوتی مفصلاً در هدایه النعمیم که بجای
جلد چهارم این کتابت درج شده است اجمالاً در این اخطا و هم ندکار میشود که
روز اول شروع بد و پس از کلمات دو حرفی آنها را که مهموز نیست بجای نهمی رسم
نهم بطور تقسیم نهم دهند و اگر بطور سؤال از اطفال پرسیده

در سس دوم

در هر آن که هر دو کس هر دو کس سه جو واسف

- ۱ الف سبب
 - ۲ الف مرکب
 - ۳ الف مرکب
- که در هر دو اول کلمه نوشته بشود

در سس سوم

در هر آن که هر دو کس سه جو واسف

- ۱ الف سبب
 - ۲ الف مرکب
 - ۳ الف مرکب
- که در هر دو اول کلمه نوشته نمیشود

استند بین آنکه هر دو کس سه جو واسف

به وین میباشد و در هر دو کس سه جو واسف

آورد با آن خود و منصفین بگویند که هر دو کس سه جو واسف

در هر آن که هر دو کس سه جو واسف



دین چهل و نه

در هزوه مشترک یعنی در هزوه که حرکت دارد وان چهار تا است

ا	هزوه مفتوحه
و	هزوه مكسوره
ا	هزوه مضموه
ا	هزوه مدوده

دین پنجاه و نه

در حرف دال و اولش در شکلش دو چو و است

ا	دال بجزه
ب	دال مرکب

و حرف ال سه کلمه دارد

دین داد اداء

پسند صدا دارد و هم چنین عیب سوال خود معلم مکرر بسیار کشید و
 باند کلمه (قر) سه صدا دارد (م - و) بعد پرسید که کلمه
 رقم چند صدا داشت و کدامها بود اگر فراموش کرده باشند دوباره
 از سر بگیرد و تقسیم آنرا از نوع عنوان کند و تقسیم نماید که اصوات آن هم منفک شود

درس ششم

در حرف ر صوت نشود شکلش دو جور است

۱ رای مجزود ر = م

۲ رای مرکب ر و حرف ناء که دارد در کلام

داران دَرْدَن آردَن
پادشاهی بود پنج

دارت آدراره رَدّه
جوبه دار سراجب در درون

تا اینجا کلمه ها بود بعد از این کلامهاست

دارا، دَرْد، دَارْد

دارا، آردا، رَد، داد

تا اطفال از روی اشغال بگویند که کلمه (رَم) سه صدا دارد [ر-م]

بعد بیرون کلمه (رَم) و کلمه (مَر) هر دو صدادارد

پس تفاوت با هم چیست و البته اطفال بدو اشغال نخواهند داشت پس

باید سوالات را تکرار کند که بلکه بفهمند متغیروند و بتوانند فرنی بگذارند و الا

زیر هفت

در حرف زای سوزش و شکش برابر نسبت با حرف وا یعنی چنانکه حرف را در شکل

نامند حرف زایم در شکل دارد

۱ زای مجرد **ز**

۲ زای مرکب **ز** حرف ناء کلمه دارد در کلام

واژن **ز** زازه **ز** دزدن

درازد **ز** ازارت **ز** آزادن

تا اینجا کلمه ها بود بعد از این در کلام است

دارا، دزورا، دار، زد

زیر، زازه، دزد، زد

خود بیا کند مکرر ایند و کلمه با صدای چهار یکشد تا اطفال منقاد شده

بگویند که کلمه (زم) و کلمه (مر) هر دو سه صدا دارد اما تفاویش این است که

در کلمه (زم) صدای اول در است و در کلمه (مر) صدای اول در است

و در هر دو صدای دوم صدای هزه منقوحه با صدای فخر که

درس هشتم

دو حرف ژ و صوئتش ژ شکلش برابر است با حرف وی یعنی چنانکه حرف
وی دو شکل داشت حرف ژ هم دو شکل دارد

۱ ژ وی مجرد ژ

۲ ژ وی مرکب ژ و حرف وی در کلمه دارد اکلام

ژاژن سفر ژوژن وزیر عدلیه توان آژدون اژدها

تا اینجا کلمه ها بود بعد از این بابت کلام است

ژرژ، وا، آژدر، دژد، رژازوا
آژار، داد

(-) است و در کلمه دم، صدای سیم دم، است و در کلمه دهر،
صدای سیم ز است و همینطور دیگر کلمات دو حرفی غیر هموزوا بطرز فوق
مذکورند تا اطفال بخوبی ملتفت شوند که چون کلمه را قلب میکنند کدام صدا
باقول میآید و کدام بوسط و آخر

در کسوف

در حرف واو حرف و او دو شکل دارد هفت صد

۱ واو مجرد و

۲ واو مرکب و

صدای اولش برابر است با و کلمه دارد ۲ کلام

واو عزوات وارد دافع دوا علاج

زوار نیات کینه کن دوار چرخ زن وزراء وزیران

تا اینجا کلمه ها بود بعد از این ۲ کلام است

وزراء، وزرا، روا، دارد

زوارا، دزد زد

ع اشاره ببری بودن و ت بیاری بودن و ت برکے بودن و ت بمشک بودن
در بیان عربی عجم است و در نهیم متسا کلمات ت ت شود و مر سوم چنین باشد که
منعاً تا اشکال حرفی غیر کرد و فووا اگرچه با آنکشت در کف شش باشد همان شکل
حرف بنویسد و بگوید و بیشتر است

درس نهم

در صدای دوپتم واو برابر است با او و کلمه دارد در کلام

روز زورت دود

دور و رور و رور

تا اینجا کلمه ها بود بعد از این در کلام است

او، آرزو، دارد

دارا، زوارا، ورود، داد

زر، دوز، زر، وزور، دارد

این خطوط نیز در این درسها نوشته شده است فقط از خارج بحفظ اطفال
سپرده خواهد شد زیرا که این کتاب برای اراده معلم است اصول ندر پس حلد
دوپتم را

و ممکن نیست که معلم ابراز دبیباچه هدایة التعلیم را ندید بتواند تعلیم نماید
تضمین اوقات خود و اطفال و تضمین شأن تعلیم و اصول جدید کتند

در کسری با زین هم

دو صدای سیم و او برابر است با او و کلمه دارد که کلام

دَوْر	اَوْرَاد	اَوْرَار
<small>دوین</small>	<small>اوور</small>	<small>اوورار</small>
دَوْن	رَوْن	دِرَوْن
<small>دوین</small>	<small>رو</small>	<small>دروین</small>

تا اینجا کلمه ها بود بعد از این که کلام است

دَرِد، اَو، دَوْر، دَارِد
 اَوْرَاد، اَوْرَار، زُدود
 دَارَا، دُزْدَرَا، اَزْدَر، دَرَاوَرِد

چون اطفال در تفهیم کلمات دو حرفی باصوات حروف و حرکاتش مهارت یافته یافتند
 شروع کنند بنفهم کلمات سه حرفی و بیشتر در تفهیم کلمات سه حرفه معتمد بسیار
 دینو باشد که تک الحرف و حرکت را یکی فرض کنند و کلمه است چنین تفهیم کنند
 [ه - س] و بعد از تفهیم هم باید جمع کنند این ترتیب [ه - س] میشود
 [س] میشود [اس] [با] میشود آب و همگنا

در سکن و آنزدهم

در صدای چهارم واو برابر است با **و** و کلمه دارد سه کلام

دَو، ذَو، زَو، دَرَو، دَرَو، دَوَاء
دَو: دروغ، ذَو: دروغ، زَو: دروغ، دَرَو: دروغ، دَرَو: دروغ، دَوَاء: دروغ

اَزَو، اَرَزَو، اَوَز، اَوَد
اَزَو: از، اَرَزَو: از، اَوَز: از، اَوَد: از

تا اینجا شش کلمه ما بود بعد از این سه کلام است

زَرَدَوَز، دَوَرَوَز، دَرَوَدَارَد
 اَزَو، اَرَزَو، اَزَار، اَوَرَد
 زَوَر، اَوَرَاد، دَوَرَو، دَرَار، اَوَرَد
زَوَر: زور، اَوَرَاد: آورد، دَوَرَو: دورو، دَرَار: دراز، اَوَرَد: آورد

معلم بیخادفت فرماید که در قرآن کلمات واوی متعلّقین معین کنند که در این
 کلمه این حرف واو بعد از چند مینش خوانده میشود
 و پو و انهای سکنه را هم مل نکنند باد و ثمره فصیح با را بد

دست سبزه

در صدای پنجم و او برابر است با ا ه کلمه دارد سه کلام

اوردوت اودت دور دور

نقاره اودت

اش

اودات اوردت اورات

آبجا

رپ

کاره اش

تا اینجا کلمه ها بود بعد از این سه کلام است

دارا، دو، اوردو، زد

اودادار، آرد آورد

ژورژژوژرا، زور، آورد

معلم فرقی کلمه و کلام را بمنعلین بفهماند باین بیان کلمه منحنی است که معنی خود

بفهماند و نه مطلب بفهماند کلام منحنی است که مطلب بفهماند

و اگر بتواند فرقی جمله و کلام را هم بفهماند مهارت خود را برز داده است

و هم چنین فرقی حرف و حرکه و مجرد و مرکب را

ششمین چهاردهم

در صدای ششم واو برابر است با وو ۲ کلمه دارد ۳ کلام

داوده همین است زاود همین است

تا اینجا دو کلمه ما بود بعد از این سه کلام است

داود، دو، آرزو، دارد

دارا، داودرا، داور، آورد

زردوز، رداء، داودرا، زر دوزد

و صدای هفتمی واو در درس ۵ ۴ خواهد آمد

معلم ابتدائی سپاه نخته اوطاق میند بان و از مینه سپاه و باقر منزخانه دار مرتب

نخبه نموده دفت فریاد که متعین حروف با انداز بنویسند و برای هر یک از حروف

ششوی از خانه هارا معین نماید که الف چند خانه و واویک خانه و راضف خانه باشد

تا پر با اندازه بنویسند

دیس پانزدہم

دو حرف ط و صوٹش ط شکلش دو جو واسط

ا ط مفرق و اولیٰ ط

ب ط وسطی و آخری

ب کلمہ دارد نہ کلام

ظہار
زلاور

ظریز
شکل

و ط و اط
شپہ

و ط اء
رحمت

ط و ر
کوه بوسی

ط و ر
جو

تا اینجا کلمہ ها بود بعد از این سه کلام است

زوارا، ظرار، زد

داود، درطور، دو، آورد، زد

زردوز، طراز، رذارا، دو طور، دوزد

معلم مواظبت فرماید که معاین هر حرف از مخارج ادا کنند که بی زحمت ایشان

مرنفع خواهد فرمود

در کس شانزدهم

دو حرف نا صوتی ف شکلش چهار جور است

۱ فی مفرد ف

۲ فی اولی ف

۳ فی وسطی ف

۴ فی آخری ف

۵ کلمه دارد ۳ کلام

فِطْرَةٌ
عیدِ روزه

أَطْرَافٌ
چهاربُنا

كُطْرَفٌ
جانب

طَفٌّ
صغیر

طَوَافٌ
گردگشتن

إِطْطَارٌ
روزه شکنی

تا اینجا کلمه ها بود بعد از این سه کلام است

آرزو، دو طرف، دارد

دارا، آوردورا، افطار، داد

داود، اطراف، ردارا، رفوزد

مقام مثلین و امسوفی بدارد که حرفات برد و فتمند منقله و منفصله و مصله ان است

که از هفت چپ بجز بیچسبید و منفصله نمی چسبید و مجرد از اصطلاحات منفصله و مفرد از

در کسره هفدهم

در حرف نافع موثرتی شکلش چهار جور است

۱ نافع مفرد **ف**

۲ نافع اولی **ق**

۳ نافع وسطی **ف**

۴ نافع آخری **فی**

و کلمه دارد و سه کلام

قطر کشی

اوطاق نزل

طاق نقشه

قفقاز سکنجات

طوق کردن بنه

قاطر بسته

تا اینجا کلمه مابود بعد از این سه کلام است

قادر آقا، دو قطار قاطر، از قوروق، آورد

دارا، در قفقاز، آورد و زد

اقارزاق، ققارار، اقطاع، داد

منفصله است اگر چه از منفصله را مرکب گفته ایم و آخری از منفصله را آخری یعنی حروف فاء و شین

منفصله اند و بیشتر منفصله

در کتب جدید

در حرف لام صوتی ل مشکلی چهار جور است

ل

۱ لام مفرد

ل

۲ لام اولی

ل

۳ لام وسطی

ل

۴ لام آخری

و حرف لام ۹ کلمه دارد که کلام

دَلَّارٌ
دَلَّارٌ

دَلَّالٌ
دَلَّالٌ

دَلَّیٌّ
دَلَّیٌّ

لُطْفٌ
لُطْفٌ

طِفْلٌ
طِفْلٌ

قُفْلٌ
قُفْلٌ

قَوْلُوقٌ
قَوْلُوقٌ

لُورٌ
لُورٌ

فَلْفِلٌ
فَلْفِلٌ

تا اینجا کلمه ها بود بعد از این ۴ کلام است

دَلَّالٌ، دَرَّارٌ، قُفْلٌ، زَدٌ

قَارٌ، دَارٌ، دُرَّارٌ، طُولٌ، دَارِدٌ

طِفْلٌ، قَاطِرٌ، قَرَّارٌ، قَرَّارٌ، دَادٌ

لُورٌ، دُوقَوْلُوقٌ، قَوْلُوقٌ، أُوْرِدٌ

دستور نوشتن آنها

در حرف های هوز چهار شکل دارد و سه صدا

۱	هی مفرد	ه
۲	هی اولی کرد	ه
۳	هی وسطی غنچه	ه
۴	هی آخری	ه

صدای اولش برابر است با ه و کلمه دارد هم کلام

راه	راهرون <small>رونه</small>	هزارون
هادر <small>هادر</small>	هادر <small>هادر</small>	قهزار <small>زهزار</small>
هلال <small>هلال</small>	قهقهه <small>صدای خنده</small>	قهقهه <small>خنده بصدا</small>

تا اینجا کلمه ها بود بعد از این هم کلام است

آه، فترا، دلهارا، درد، وافیر، دارد
طاهر آقا، درهوا، ده، قرقاول، زد

در کتب بیستم

صدای دوقم حرف‌ها برابر است با — و کلمه دارد در کلام

رزه	قهوه	لذت
قله	طاقه	ظفره
هرزه	لوله	حققه

تا اینجا و کلمه ما بود بعد از این چهار کلام است

حققه، قهار، قهر، آورد
 دروازه، ده، قراول، دارد
 زلزله، هزار، ولوله، دارد
 آقارواق، ازقرار، قول، اطفال
 دوروز، ظفره، زده

و صدای سیم‌های هوز در درس ۵۵ خواهد آمد

در سخن بیست و یکم

در حرف جیم صوتش ج شکست چهار جو است

۱ جیم مفرد	ج	و کلمه دارد در کلام
۲ جیم اولی	ج = ج	قَجَرَت طایفه است
۳ جیم وسطی	ج = ج	فَاجِرَةٌ زن بی عصمت
۴ جیم آخری	ج	جَفَةٌ سگ آماج
رَوَاجٌ	جَوَادٌ بخشنده	قَلَجٌ شبیخ
قَلَاجٌ	جَوَجٌ اهل لرزه	لَجَجٌ اهل لرزه

فایضا و کلمه ما بود بعد از این چهار کلام است

اوطاقدار، جارهارا، درطافها، جاداد
 لطف وجود، ازجود، آفرود
 آقا جواد، اوطافهارا، آزا جر طاق زد
 دلال، قهوه را، رواج، داد

در بیان بیست و دوم

در حرف حاصلش ح شکلش برابر است با حرف جیم یعنی چنانکه حرف جیم چهار
شکل داشت حرف ح هم چهار شکل دارد

۱	حی مفرد	ح
۲	حی اولی	ح = ح
۳	حی وسطی	ح = ح
۴	حی آخری	ح

و کلمه دارد ۴ کلام

حَاج	حَاج	حَاج
حَاج	حَاج	حَاج
حَاج	حَاج	حَاج

تا اینجا ۹ کلمه ما بود بعد از این ۴ کلام است

دَلال . از حَاج ، جِلودارها ، دَه جَوون ، جِل آورد

اطفال . روزَه دار ، دَر اِطْطار ، فَرَج ، دارَد

رُوزَه ، با اِطْطار حَلال ، آجِر دارَد

طَواف ، حَاج رَا ، فَهْمِئَل ، طَواف داد